

زُهد گربه یا...!؟

دیروز از راه وسائل جمعی شنیدیم که نوزادی جدید بنام جبهه ملی ... در دامن کابل چشم باز کرد. نوزادی که اعضای وجودش چون لحاف های قدیم " قورمه پی " از هر رنگ و شکلی تشکیل شده است.

خوب آمدن و رفتن گروه ها، جمع شدن و جد شدن شخصیت ها، پیوستن و شکستن عهد ها که در وطن ما چیز نوی نیست، و جای تعجب و حیرت را هم ندارد، اما چیزی که کمی سبب توجه میگردد برنامه و پروگرام مطروحه این جبهه است که محترم استاد ربانی رئیس این جبهه در چند کلمه و جمله که من آنرا شنیدم بیان داشتند.

استاد گرانمایه در صحبت خود فرمودند که یکی از اهداف تشکیل این جبهه مبارزه با فساد است!

سخن زیبا و کلام شیرینی که خیلی ها میخواهند در رکاب آن بدونند و از آن بهره برند که یقیناً هم میبرند چنانچه از کلمات دیموکراسی و آزادی و غیره استفاده ها میدارند تا خود را به هدف مقصود برسانند.

در وطن ما مود شده است که برای بدست آوردن اهداف (جائز و ناجائز) خود هرکسی از کلمات و جملات خوب و عام پسند استفاده کنند (گرچه در ماهیت کاملاً ضد آن اند) مثلاً دیموکراسی، مبارزه با فساد، مبارزه با تروریسم، آزادی بیان، حقوق مدنی، دفاع از اسلام و... و دیگر انواع این گونه دستاویز ها. ولی گاهی فکر این هم شده ایم که این شعار دهنده و علم بردار سینه چاک این شعارها آیا واقعا همین گونه است که خودش میگوید؟ آیا بگذشته و عمق ذهنی و فکری او و همروان وی توجه کرده ایم تا بپذیریم آنچه را امروز میگوید واقعا راست میگوید و نه از راه ریاء و تزویر! و یا اینکه این خوشخوانیها همچو پرهیزگاری های کوتاه دستی است از شاخ بلند! و یا هم زهد گربه است از موش آزاری؟

من نمیخواهم عقده فردی ام را با استاد و دیگران روی دست گیرم که احیاناً عده بی را وادار به تهمت و افتراء و حتی دروغ های به اصطلاح شاخدار هم میکند و یا روی آوازه های غلطی آراء خود را بسته بندی میکنند. بلکه میخواهم خیلی صادقانه از استاد بپرسم ترا بخدا قسم به چیزی که ادعاء کرده پی باور هم داری؟

آنچه را خیلی ها شاهد اند و مثالهای آنرا میتوان در گذشته استاد بیاد آورد اینست که استاد هرگز با اصلاح و اصلاحات میانه خوبی نداشت و ندارد، وی هرگز در پی فساد زدایی نبود بلکه خود وی و اداره که استاد در رأس آن قرار داشت یکی از منابع فساد در کشور بود، فساد که شاید کمتر نظیر آنرا در تاریخ کشور بیاد داشت.

کشور ما که بدبختانه اکنون به کان و معدن هرچه خلافتکاری توسط عده بی از ناخلفان هموطن مان مبدل شده است، خلافتکاری های استاد و همردیفانش را بخاطر تأمین منافع عده از حواریون و شاهزادگان و شاهبانوان تازه بدوران رسیده چون زخم ناسوری در جسم خود دارد. دورانی که از کشورداری وزعامت کشوری، آنرا به شکل خانه داری و ملک قریه تغییر دادند. سیستم اداره و نظام اداری را پائین تر از اداره ملوک الطوائفی رسانید. سیستم مالی یک کشور را منحصر ب سیستم جیب پدر، (دارای اولاد سکه و اندر)، کیسه ارباب و یاسر دسته باند ساخته بود، که در نتیجه آن بانکنوت های ۱۰۰۰۰ بی ارزش را تحفه آورد. (پول بجویی ببر و جنسی رادر جیب وخریطه بی بیار) استادی که در هنگام ریاست دولتی اش باز هم معاملات شخصی را در شراکت های مافیایی مالی فراموش نکرد!

نمیدانم بکدام وجدانی امروز استاد محترم در زد و بند با **خائنین ملی** کسانی که باید بجرم نابخشودنی خیانت بوطن محاکمه شوند، از فساد در دولت آقای کرزی یاد میکند؟ مگر این حکومت بمراتب خوبتر و بهتر از دوران ملکی خودت نیست؟ یادت میاید که تفرری در دفاتر از بلندترین مقامات تا مقامات خرد بحساب سلیقه شخصی و نظر به وابستگی فرد به شخص خودت و "داره" بی که تو در رأسش قرار داشتی صورت میگرفت؟ رشوت که کمتر از امروز نه بلکه بارها زیاد تر و وقیح تر از زمان موجود بود. پس چگونه امروز در قسمت اداره کرزی انگشت انتقاد دراز میکنی؟

در زمان خودت چه دست آورد نیکی داشتی که امروز مردم را به آن باچنین کارها و گفتار هایت خوش میسازی؟ صحبت ها را اگر بدور از اعمال قرار دهیم خیلی گوشنواز و دلنشین است اما اگر آنرا با اعمال و کردار مقایسه کرد خیلی زشت و تهوع آور میشود و باور انسان را به آن، همچو باور آن چرسی بدعای امام در حق پدرش میرساند. گویند چرسی را پدر درگذشت که به کار های زشتش حتی پسر چرسی اش هم گواهی میداد، هنگام دفن چون عادت است که از میت بدیی را یاد نکنند امام هم شروع کرد به چسپانندن بعضی صفات نیکو برای میت و طلب آمرزش برای میت. چرسی بعد از هر قسمت دعای امام که در آن میگفت: میت ادم خوب و بود و خدایش بیامرزد، میدید که آنصفت هارا هرگز پدرش نداشت و باور هم نمیکرد که خداوند آدمی خلافکاری چون پدرش را بیامرزد، بناءً به پیروی از دیگران وی هم میگفت: آمین ولی باخود بعد از آمین گفتن جمعی میگفت: اما باورم نمیشه! (که خداوند وی را ببخشد).

من و شاید خیلی از مردم ما به گفتارت آمین میگوییم! ولی صادقانه باید بگویم که باورمان نمیشه.

فکر میکنم اگر همین حکومت موجوده را بجای تخریب تقویه نمایند کاری خوبی انجام خواهند داد و باین صورت در آینده خواهیم توانست از یک حکومت سالم و خوبی که به آن افتخار کنیم برخوردار شویم. استفاده استاد و هممقامشان از مبارزه بافساد و اصلاحات در دولت و... و یا استفاده از کلمه دیمو کراسی و آزادیهای مدنی که در نوشته های کمونیست ها با شاخه های روسی (خلق و پرچم) ویا چینی (ماؤویستان و یا شعله بی ها) دیده میشود خیلی تعجب آور و خنده برانگیز است.

پایان